

## به ما معرفی کنید! ((رجل سیاسی - مذهبی کیست؟))

- آیا از عزمه کس است که عرب‌بازی کند؟
- دموکراسی و ریاست جمهوری
- بیان‌های تبریک به حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی
- اولین اندام، زن، کریسمن و فتو اس
- زن: مهمترین چهره برداز شاترا
- همراه ربان در سخنه سیاسی
- بسوی خدا من رونم
- شریعت در همه زمانها
- استنس سالکت دکتر علی شریعت

آیت‌الله سید عجمون طباطبائی  
امیرالله طباطبائی  
ابراهیم جوش سرپ سلسی  
قدس‌الله عرب‌زاده  
شائسه کواراس  
رشید روس  
ناقد سید - دکتر ابرکم طباطبائی  
درالملوک آیا  
قریب آیا

ای جوان :  
... آزادی تو مذهب من است ، خوشختی تو عشق من است ، آینده تو قنها آرزوی من است .



شماره ۱۳۰۸  
تاریخ ۱۴۰۵/۷/۲۶  
پیوست

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به مناسبت سالگرد

## دکتر شریعتی

۲۹ خرداد هر سال خاطره آزاد مردمی در جان ما می‌پیچد که در پایان عمر کوتاه‌آما پر بازش مصلوب کلام خویش گشت. خاطره دانشمند ستارگی که روحی تازه بر جامعه دینی دمید و با برداشتن نوین دینداران را به اصلاح جامعه امیدوار کرده است. دکتر شریعتی پایه‌گذار روشنفکری بود که بهترین تحلیل‌ها را برای دینی کردن جامعه مدنی ارائه داد.

اگر در قرون وسطی مذهب عامل رکود و انجماد و ثبات بود در جامعه دینی مورد نظر دکتر شریعتی تنها عاملی است که می‌تواند توده را با روشنفکر پیوند زند و عامل تحول و پویایی و حرکت گردد. مع‌الوصف این جامعه آرمانی با وجود تلاش روشنفکران به جهت اینکه اصطکاک با مانع دنیامداران متحجر پیدا کرد صورت واقعی به خود نگرفت.

با این حال دکتر شریعتی هنوز غریب است و دشمنان به ایشان نردبان ترقی مناهیب دولتی شده است و تبلیغات چیان رسمی، چون کران و لالان دم فروپسته و مانع از معرفی این انقلابی بزرگ می‌شوند و با بیهوده سمعی می‌کنند با جدا کردن روشنفکران و جریان روشنفکری این جریان را سرکوب نمایند. امروزه عده‌ای سمعی دارند با مطرح کردن بحث‌های ملال آور تهاجم فرهنگی سدی در راه ایجاد جامعه مدنی و روشنفکری دینی ایجاد نمایند که البته انشاء الله کار به جایی نخواهد برد.

تجلیل از دکتر شریعتی تجلیل از روشنگری و روشنفکری و تعهد و ایمان در عصر تحجر و سلطه مستبدانه زر، زور و تزویر خواهد بود. عصری که باید طبیعته رهیدگی جامعه از بوغ بندگی‌ها و رهایی از طاعت خداوندگان روی زمین نامیده شود.

انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران  
و علوم پزشکی تهران



در عصری از اعصار خاموش تاریخ که  
اسمان نیز چهره در هم کشیده و زمین به  
تاریکی گرفته بود بر سنت دریه هست  
خورشیدی در دل شب درخشید و پیام اوری  
دیگر از نسل پاکان به اشاعه نوری که  
خداوند در وجودش به ودیعت نهاده بود  
همت گماشت پیامبری که نور محمد در دل  
زمان علی در کام و چراغ حسین در دست  
داشت که حسین چراغ هنایت بود و او  
روشنگر راه حسین و محمد به حق او را  
زینم نامید. که نه تنها زینت پدر بلکه زینت

تبار خوبیش باشد و نجسم همه ارزش‌های  
گردد که در این مکتب و در این مذهب برای  
آن ترسیم شده است. و واژت رنچ بزرگ

اسنان باشد و بار سنگین امانت و رسالت را بر  
دوش گردید کام به کام دوشاویش حسین!  
مگر به اینکه در کانونی سالنه که فاطمه در  
آن مریض و راهنمای هدایتگر بود؛ زینت و  
حسین، حسین و زینت، تنها و بیکن، ما  
دستهای خالی در روزگاری که وحشت و  
ظلم و اهن حاکمیت مطلق دارد از خانه  
کوچک فاطمه که از همه تاریخ بزرگتر است  
بیرون آمده تا گستاخانه برسرپوش شوم و  
زیوانه خط بطلان کشند. ایمان گیاند که  
جنین خشمگین و متمم گرداب فشرده  
طوف مسلمین را من شکانند و بیرون می‌آیند  
و شیر حرمت و اعنت و قداست را پست می‌بر  
من گذارند در این هنگامه که همه رومه  
سوی کعبه دارند، آنان لفگ کجا گرده‌اند؟  
کجا و چرا؟

کربلا و عاشورا اگر تائیی کشند نام  
حسین در اذهان و خاطره و باور شیعه است،  
نام دیگری نیز قرین است: زینت؟  
اما جرا در تاریخ اسلام جز در روز عاشورا  
بادی و دکری از او نیست؛ زینا که این  
ویزگی تاریخ ما و همه جهان است که  
همواره تاریخی مذکور بوده است. تاریخی که  
در آن همواره مردان ایفاگر تمامی نقشها و  
وضعیها بوده‌اند. در نتیجه در این تاریخ از

بعنایت بیستمین سالگشت دکتر شریعتی

## "زینب"

# مهمترین چهره پرداز عاشورا

فاطمه کوارانی

تعابز بنتی و جنسیتی میان زنان و مردان  
بستر بختی می‌خورد. همچنین حضور فعال  
زنان در آن جامعه غیرمتهمن بسیار آشکارتر و  
مشخص برخی است. ما خدیجه، فاطمه،  
عایشه، رقیبه و زینب را داریم. خاتمه را  
من بایم که انت خاص با زنان داشته و  
اسماً جد مبارز با زنان وارد هست شده و  
محبت و عشق را بستکل زیباتی در جهان و  
جامعه شکوفا ساخته است و اینی ای توحیدی  
که با زنان سیار انسانی تر از پادشاهان،  
فلسفه و عرف و فقهها سخن گفته و دوست  
شده‌اند. اما این دید، یعنی دیدگاه انسانی و  
برابر طبقه‌انه قرآن و مصلحان بسیار تدریج  
ملوک دین رسمی و نیز عنیت مردم‌سالارانه  
شده است. در سجد هر چه از زمان محمد و  
اسلام اولیه دورتر می‌شویم، دیدگاه انسانی  
نیست به زنان و فرآهم اوردن نست و مناسب  
برای حضور انسان در صحفه‌های سیاسی،  
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و رفیق تر  
برابر طبقه‌انه قرآن و مصلحان بسیار تدریج  
ملوک دین رسمی و نیز عنیت مردم‌سالارانه  
شده است. در نتیجه هر چه از زمان محمد و  
اسلام اولیه دورتر می‌شویم، دیدگاه انسانی  
نیست به زنان و فرآهم اوردن نست و مناسب  
برای حضور انسان در صحفه‌های سیاسی،  
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و رفیق تر

بولم موست چندان خیزی نیست. در هر  
صفحه از بزرگترین کام تاریخ اسلام و  
مردان این مردان که با در حال ساختن  
جزی و با در حال تابود کردن آن هست.  
تعزیز زنان بر محبور بیهودگی است زینه  
اسماً دارای نقش ختنی بوده که نه از نظر  
فرهنگی چیزی بوجود آورده است و نه از نظر  
تاریخی تواسته نفس بابت  
و اما زینه بازندگانی او نیز حدیث ایکونه  
بود ولی او این حدیث را روایتی دیگر کوئه  
بخشد.

اگر در تاریخ اسلام تا ساخته عاشورا از او  
نامی، بادی و ردي نمی‌باشد، این نه به متنی  
نیست که او وجود نداشته است! که اگر وجود  
و جوهرهای نداشت چیزی می‌تواست در  
عاشورا افرمته و خالق و بازیگر صحنه  
نداشت! اما شایر همان سنت مردم‌سالارانه  
هماره تاریخ که فراهم اورنده مناسیبات بهتر  
برای رسد و تعالی و در تیجه حسین جلوه  
بیرون مردان است. لاجرم چهره وی همراه  
در پشت چهره علی، حسن و حسین بیهان  
مانده است. تازه این در دروازه از حیات  
اسلام است که زنان هنوز اندک در میان برای  
تجلى و حضور بیرونی داشته‌اند. زیرا در تاریخ  
هر چه به صدر اسلام بزدیگر می‌شویم، عدم



جوائز ازادی زینت آگاهی و بیشتر عیمیق  
همراه با تهدید اجتماعی است.

گزینش حسین نه به هنایه پیوند مودتس  
است که میان خواهر و برادر بسته شده که  
همراه با او به شانه توالتاتی رفی است که  
در برادر طوفان حوادث روزگار، از شعور،  
شخصیت، هدف، احتمالاتی فردی، ایندهال و  
مسئلیت اجتماعی، استقلال اندیشه و مشی  
حرکتی در زندگانی و نیز ازادی و اراده و  
اختیار برخوردار است. زن که برای خود  
نقش، وضعی و رسانی قائل است و حاضر  
بیست بواسطه سنتهای اجتماعی و نیز  
سختهای راه عمری را در محدوده بسته  
خانه و خانواده سیری نماید. و این چنین  
است که من اید و فرزندانش را نیز در  
جامعه‌ای که با باورهای مردم‌سازانه عجیب  
شده است. با خود بهمراه من آورد تا نظاره‌گر  
شهادت خاص خاندانش باشد و سپس خود  
شاهدی برای شهادت دادن به تاریخ ایندگان  
گردد.

او در شرایطی که حسین رشته بیعت و  
همکاری را از گردن همه برداشت، بر جای  
خود باقی ماند تا در زمان لازم امامت حرکت  
را بر عهده گرفته و پرچم عباره را بر افزارش  
نگاهدارد.

ابن مغتبه مورخ عرب معتقد است براساس  
تواهد تاریخی زینت عهددار مقام امامت  
بوده و سمت هدایت و راهنمائی و تعیین

بگونه‌ای است که او در بطن این رویدادها  
غوطه‌ور و شناور است. زینت از انجنان علم و  
دانش در زمان خود بهره‌مند بوده که به  
عقیله بنی هاشم معروف من گردد و همانگونه  
که فرزندان فاطمه نسب از مادر برداشت، پسران  
او نیز بنی عقیله لقب گرفتند. در تاریخ نت  
شده است که از مقام بیان روایت و حدیث که  
از ویزگوهای افراد آگاه و دانشمند و دارای  
مقام رفیع علمی است برخوردار و در کوفه  
دارای مجالس درس و تفسیر قرآن بوده  
است. وقتی به عمق این دلائی و آگاهی بهتر  
می‌بریم که کاربرد استادانه و ماهرانه  
ایات قرآن را در سخنرانی‌هایش که در آن  
شجاعانه به محکمه حکومت وقت پرداخته،  
مشاهده می‌کنیم. اما همانگونه که گفته شد،  
سیمایی زینت تا زمان خروج حسین از مدینه  
به مکه در پس پرده تاریخ نامکننده باقی  
می‌ماند. با خروج حسین به قصد کوفه است  
که زینت از پس پرده تاریک تاریخ پدر امده  
و از مهمترین چهره‌پردازان و صحنه‌گذاران  
عالشورا من گردد.

آری زنی من رود و مرد بر جای من ماند!  
برخلاف انتظاری که جامعه و سنتهای آن  
از زینت دارند که بماند و نقش همسری و  
مادری خود را ایفا نماید، او با بر هم و بخشن  
ستهای رسالت اجتماعی را برمی‌گزیند.

من گردد و بجانی من رسید که زن مسلمان  
عملاً دیگر وجود و حضور خارجی نداشته  
است. چهره این زن در طول تاریخ انجنان  
پنهان است که حتی دیگر نظاره‌گر جریانهای  
تاریخی نیز نمی‌توانسته باشد زینت یکی از  
آخرین چهره‌های اساطیری - ازمانی زن در  
تاریخ اسلام است که ما بعد از او کمتر شاهد  
تجلى زنان بعنوان الگوها و شاخه‌های  
برای الهام‌گیری من باشیم. پس توجه  
من گیریم که علاوه بر جوهره و ویژگی‌های  
فردی و نیز وجود بستر مناسب تعریش که به  
آگاهی و ازداندیشی افراد می‌اجتمد، باید از  
عامل مهم دیگری که چگونگی شرایط، فضا  
و انسفار زمانه است، بیاد کرد که در اجازه  
دادن به عنصر تاثیت برای تجلی و ظهور در  
تاریخ نقش بسزائی دارد.

بدین ترتیب زینت هنوز از موهبت فضا و  
بستر مناسب زمانی برخوردار است. او در  
سالهایی بدنی امده، بالیده و شکولا شده که  
هنوز مکه و مدینه خاطره برخوردهای محمد  
با زنان و نیز تاکیدات مکرر قرآن بر رعایت  
حقوق انسانی - اجتماعی انان را در بیاد دارد

**در این سرزمینهای تابه آن  
روز دیده فتشده بود که  
زنی (آنهم اسیر) چنان  
سلط در کلام و چنان  
صریح و بی‌پرده علیه  
دستگاه حکومتی سخن  
بگوید.**

زینت در دوران حیات خود شاهد  
بزرگترین رویدادهای تاریخ اسلام است که  
هر یک باری از تجربه و تأثیر را بر اندیشه و  
عمل او بر جای من گذاشت. این اثنانی

جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگر با بحران استمرار و الگو مواجه می‌باشد. باید در برایر این نیاز به شناسانی و بازخوانی چهره‌های اساطیری تاریخی و فرهنگی کشورمان بپردازیم. سنت متاخر همواره از برقراری هرگونه ربطه خلاقانه با اسطوره‌های مذهبی جلوگیری و بر روی سایر چهره‌های اساطیری تاریخ کشورمان نیز مهر ابهال منزد. در حالی که نیاز انسان به جاوداتگی و ایجاد مقولات جاودائی از جنس اساطیر یک نیاز همیشگی است. وجود این اسطوره‌ها در بازشناسی هویت زن ایرانی می‌تواند بسیار موثر واقع شود، مخصوصاً اگر اسطوره‌های تاریخی و مذهبی از واقعیت غمین نیز برخوردار باشند.

زینب الگوی آرمانتیست که تحقق نیز یافته است. باید از آزاداندیشی، استقلال شخصیت، شهادت، مقاومت، تعهد اجتماعی و اگاهی علمی وی و سایر بزرگان درس گرفته و با تکاها محთاگرایانه به جوهره و جهت اندیشه و حرکت انان، در تلاش برای تغییر پیشی جامعه‌مان نسبت به زنان و سیس بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی آنان گام برداشت.



#### پاورقی:

- ۱- ر. ک به زینب بنوی فهرمان کربلا، تالیف دکتر سرتاسری، ص ۵۴، بنت‌الاطبلی از زینب تحت عنوان «مهدی بنوی بنی هاشم» باد می‌گذد
- ۲- ر. ک به زینب فهرمان، دفتر علی [ع]، احمد سانقی اردستانی، ص ۱۰۷-۱۰۸، این کتاب تالیف و برگردانی است از کتاب مع بطله کربلا اثر محمد جواد مفتیه که از دستان آن را قبلاً تحت عنوان بنوی شجاع زینب کبری چاپ گرده بود
- ۳- ر. ک به عائزه‌اندیشیت پیروز

صریح و بسیارده علیه دستگاه حکومتی سخن بگوید وجود نظم و آرایش در کلام، بکار گرفتن ماهراهن آیات قرآن در جای جای سخن برای مستدل گردن آن و انعکاس موقعیت و مقام و اوضاع خود و مخاطبان و نیز پس و پیش گردن ترتیب آیات و حتی تغیر خمایر آیات و گردانیدن خمایر آن از صورت غالب به مخاطب (که خود قالب شکن و فراتر رفتن زینب را از ظواهر کلام مقدس و پرداختن به محتوا و جوهره در جهت گیریهای پیام الهی را نشان می‌دهد) برای آنکه بیشترین تاثیر را بر مخاطبان خود بر جای گذاارد. همچنین بکار گرفتن شواهد و مصادیق تاریخی برای فاطمه و علی تها اشک ریخته و بدانها محبت ورزیده و از آنان شفاعت طلبید. در حالی که تاریخ گواه است که این اشکها و محبتها همه عقیم مانده و چون باران در شوره‌زار، سیزهای در کویر نرویانه است، اما برخلاف دیدگاه سنتی که خاطره زینب نالان و گریان را آنهمه تها از صحیح تا شام عاشورا در حافظه دین خود و مردم نیت نموده است، در روزگاری که نصوح می‌شد، کار این نهضت خانمه یافته، زینب پیاخته و خلعم شکست در پیروزی را در کام دشمن ریخت و خود پیروزمندانه از شکست بیرون آمد.

در تاریخ سه خطابه و سخنرانی به نام زینب در آن هنگامهای که کاروان اسیران را شهر بشهر گردانیده تا در زیارت پنجه خلیفه وقت برده شدند ثبت شده است. به شهادت پسچاری از محققان تاریخی براین اعتقادند که اتش برخاسته از جوهره پیام نهضت عاشورا در جان پیقرار و ملتهب زینب بود که قیامهای خداموی و شیعی را یکی پس از دیگری شعله‌ور ساخت و جان مایه‌گذارانی گردید که توانست پایه‌های نهضت شیعی را بینانگذاری نماید و اما امروز.....!

وظیفه برای سایرین را بر عهده داشته است<sup>۱</sup> و براستن نیز چنین است که مستولیت اجتماعی و نیز هدایت و راهنمایی جامعه فارغ از هر گونه مقوله جنسی است و بمار امانت را تمامی انسانها باید بردوش گیرند. زینب به عنوان یک زن ثابت گرد که می‌توان همیای مردان و حتی پیشتر از آنان گام بردارد استادگی و مقاومت نشان داده و در مقابل دشمنان سر فرود نیاورده و پیامبر و امام حرکت گردید. در حالی که در دیدگاه سنتی زینب تنها سوگوار کربلا، سرپرست بازماندگان و پرستار مختضران و خامی اجداد پاره پاره شهد است که باید بر او بر حسن و فاطمه و علی تها اشک ریخته و بدانها محبت ورزیده و از آنان شفاعت طلبید. در حالی که تاریخ گواه است که این اشکها و محبتها همه عقیم مانده و چون باران در شوره‌زار، سیزهای در کویر نرویانه است، اما برخلاف دیدگاه سنتی که خاطره زینب نالان و گریان را آنهمه تها از صحیح تا شام عاشورا در حافظه دین خود و مردم نیت نموده است، در روزگاری که نصوح می‌شد، کار این نهضت خانمه یافته، زینب پیاخته و خلعم شکست در پیروزی را در کام دشمن ریخت و خود پیروزمندانه از شکست بیرون آمد. در تاریخ سه خطابه و سخنرانی به نام زینب در آن هنگامهای که کاروان اسیران را شهر بشهر گردانیده تا در زیارت پنجه خلیفه وقت برده شدند ثبت شده است. به شهادت تاریخ سلطان و فصاحت و بلاغت وی در سخن گفتن که نشان از پیغمبراندی او از قدرت و توانانی و دانش و اگاهی از سوی و نیز شجاعت، تهمور و بی‌اکن از سوی دیگر بگونه‌ای است که حتی دشمن نیز بر آن اعتراف می‌نماید. اینها نخستین سخنرانیهای یک زن در کوفه و شام بوده است. در این سرزمینها تا به آن روز دیده شده بود که زن (آنهم اسیر) چنان مسلط در کلام و چنان

# بیست سال رنج و مشقت...

وحید پور استاد

در تمام آن مراسم تا موقعی که این سطور را من نویسم این فکر هرگز رهایم نمی‌کند که حقیقتاً شرعیتی چگونه توانسته است حتی بعد از گذشت ۲۰ سال از پرواز ملکوتیش در درون این جوانان دلستانی کند. و چگونه است که با وجود این همه سال انجنان تائیری در جوانان گذاشته که کمتر روشنفکری در این زمینه موفق بوده است. این اجتماع با شکوه که با حضور هزاران تن از مشتاقان شرعیتی صورت گرفت خود اعتراض گویای است نسبت به کسانی که می‌خواهند نام و یاد این تئوپسین بزرگ انقلاب را از ذهنها محو کنند این افراد باید بدانند که بین حرمتی و بین اعتایی به او بین حرمتی به قشر عظیم جوانان پیرو اوست. اگر رسانه‌های ما بوبزه رادیو و تلویزیون کمترین بادی از او نمی‌کنند. بدانند که برخلاف قانون اساسی کشور که «بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از بر خورد سالم اندیشه‌های متفاوت پهنه جویید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند» نه تهبا با چنین اعمالی خدمتی به اشاعه فرهنگ اسلامی و تکامل انقلاب اسلامی نمی‌کند بلکه به نوعی ترویج خصلت... را در پیش می‌گیرد.

ایا شرعیتی خد اسلام بود یا خد انقلاب اسلامی یا بسیاری از جوانان رایه بیرون کشاند که امروز حتی از بردن نام او حتی یک نام خشک و خالی از اوتوس و ایا دارند. این آقایان از چه می‌هراست؟... بسیاری از همین جوانان که اگر با علی[ع] آشنا شده‌اند، اگر حسین را می‌شناستند اگر با عیان اسلام و پاران حدیق پیامبر همچون ابودر- آشنا شده‌اند اولین بار آنان را از لایه‌لایی کتابهای شرعیتی یافتد که اینچنین پیرو راه او بینند.

نگارنده در اینجا رجاء وائق دارد که علی رغم این همه ستیزه‌جویها و کینه‌توزیوها و سیاه‌کاریها و تکفیرها نسبت به شرعیتی و مشتاقان او نه تنها این بین مهریها نتیجه متی ندارد بلکه دقیقاً برعکس تیجه معکوس خواهد داشت و حقایق معمومانه این مرد را در نزد جوانان امروز و فردا بیشتر نمایان خواهد کرد. علی‌ای الحال امیدواریم که مسئولین امر بوبزه مستولین رادیو و تلویزیون حداقل برای احترام به خیل عظیم جوانان مشتاق شرعیتی جوانی قانع گشته بیاورند.

به امید آنکه خداوند متعال به صابران، ظفر و به غافلان، بصر

عنایت کند.



پنجشنبه ۲۹ خرداد ماه ۷۶ سالروز شهادت روشنفکر بزرگ تاریخ انقلاب زنده باد دکتر علی شرعیتی بود مردی که آمده بود تا به جوانان وطنش چشمانی تازه دهد تا پیرامون خود را به گونه‌ای دیگر بینند. از این‌رو بود که به منظور گرامی داشت یاد و نام او اجتماع عظیم و با شکوهی از جوانان دیروز و امروز در حسینیه ارشاد گردهم آمدند که اگر در نوع خود نگوییم بی‌نظیر حداقل کم‌نظیر بود در این مراسم میز گردی با شرکت دکتر سروش، مهندس سحابی، یوسفی اشکوری و مقصود فراسخواه در خصوص «شرعیتی و رهیافت روشنفکران امروز» برگزار گردید.

اما از نکات قابل توجه این مراسم حضور دکتر پوران شرعیت رضوی (همسر زنده یاد شرعیتی) بود که شاید بعد از سالها از شهادت دکتر بود که ایشان در جمع دوستداران شرعیتی گرد آمدند و در سخنرانی کوتاه‌اما از درونی پر درد حکایت کرد همسر دکتر گفت: شرعیت جوانی بود که در جوانی احساس پیغمبری می‌کرد. او مردی بود که اندیشه‌اش را فدای من و فرزندان و حسن پیذر پیش که بسیار او را دوست می‌داشت گرد. دکتر شرعیت رضوی از بیست سال ای مهندسی و رنج و مشقتی که بر او و خانواده اش گذشته است گفت.

او در ادامه یاد آور شد که با وجود قیمت‌های بالای کتب شرعیتی اما همچنان استقبال جوانان از کتب او چشمگیر و کتب او همچنین پرتوان‌ترین کتب کشور به شمار می‌آید. ایشان در ادامه اظهار داشتند، احساس می‌کنم تمام نعمتها را خداوند به این مرد داد و من افخار می‌کنم که زن ایشان بودم. دکتر شرعیت رضوی در پایان سخنان کوتاه خود گفت: به نظر من علی هیچگاه نمرده است مرده آن است که اسعش را نبرند در حالی که هنوز نام او و یاد او زنده است.

در این مراسم با شکوه همچنین پرده برداشی از لوح یاد بود زنده یاد شرعیتی توسط همسر دکتر، صورت گرفت.

اما صحنه‌ای که در این مراسم حقیقتاً برای نگارنده نکان دهنده بود، هنگامی بود که همسر دکتر در این‌دای سخنرانی از طرف علی شرعیت از همه جوانان و دوستداران او تشکر کرد و اشک در چشمانش خلقه زد و آنگاه بود که وقتی به اطراف خود می‌نگریستی حق حق گریه دختران و پسرانی را می‌دیدی که درد و رنج همسر و خانواده او را درد و رنج خود می‌دانستند و صادقانه از فقدان معلم خود و این مهربانی‌ها که به خانواده‌اش می‌رود اشک می‌ریختند. صحنه اشک این جوانان براستی که مات و مبهوت گشته بود.

# پیاوایه زدائی

از

## باورهای اسلامی

(در اندیشه دکتر علی شریعتی)

بدرالملوک امام

۴- معرفن اسلام راستین عاری از خرافه بخصوص در تلقی شیعی آن تحت عنوان تشیع علوی و برسی ویژگیهای آن و وجود تمايز آن از تشیع صفوی و معرفی شخصیتیهای متالی هر دو گروه و نقد جامعه شناسانه آنها برای اولین بار در تاریخ سیر تحولات ایدئولوژیک اسلام و تشیع.

۵- برسی عمیق و همه جانبیه علل و عواملی که موجبات انحراف اسلام محمدی (ص) و تشیع راستین علوی را در تاریخ ۱۴۰۰ ساله فراهم اورده است.

۶- طرح اسلام انقلابی و سیزدهنده با ظلم و جور بخصوص از تلقی شیعی آن تحت عنوان تشیع سرخ علوی برای اولین بار در تاریخ معاصر و معرفی شجاعانه عوامل سیاسی و اجتماعی - عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان بدون کمترین ملاحظات مصلحت جویانه.

۷- تصفیه واستخراج منابع اصولی و آگاهی بخش و رهاییه اسلام از متون اولیه قرآن و حدیث و سیره پیامبر اکرم و آنها شیعی و طرح عالمانه و متذکر آنها و معرفی الگوهای اعتقادی و عملی شخصیتیهای صدر اسلام و اصحاب بزرگ پیغمبر و ذکر عوامل و موانع و علل عقب ماندگی و رکود و جمود و

قله رفع اسلام و انسانیت را رهمنون گشت و انسانها را از ۲۴ اقوام بازدارنده مدارج مذکوره بنامهای زر، زور، تزویر بر حذر داشت

و عمل انحطاط جوامع را مه این سه اصل مربوط داشت و در ضمن یادآوری نمود که:

۱- طرح علمی جامعه‌شناسی، ضرورت دین در جوامع انسانی از بدو پیدایش فکر و زندگی گروهی انسانها اولیه اسان غیرمتدين نبوده و بطور غریبی همواره نیاز به پرستش را در خود احساس می‌نموده است.

۲- در رابطه با توحید و شرک توحید زیربنای فکری اولیه شرک و شرک عاری از اجتماعی ثانوی بوده است و تقسیم اجتماعات انسانی به طبقات اجتماعی سب شرک اجتماعی گردیده است و در حقیقت شرک توجیه کننده تمايز طبقات جوامع انسانی است و از خود اساسی ندارد.

۳- با توجه به مدلول بند ۲ از نظر شریعت جوامع بشری که گرفتار اختلاف طبقاتی و عارضه فقر و غنا بین افراد خود هست هرگز نخواهد توانست از مظاهر شرک و کفر در امان باشد و عدم روابط توحیدی در جامعه ناقی توحید در رابطه انسان با خدا است.

سپردر اندیشه و افکار زنده باد دکتر شریعتی و برسی ابعاد شخصیتی و علمی و اجتماعی و سیاسی او که بخش عمده آن در هزاران صفحه بصورت مجموع آثار ۲۶ جلدی منتدرج است عظیم‌تر و بی‌جایدتر از آنست که در چند صفحه و یا چند مقاله نگاشته شود ولی از آنجایی که گرامیداشت شخصیتیهای بزرگ و تاریخ‌ساز و تعظیم و تکریم و معرفی آنها وظیفه کسانی است که به تحولی از انجاء با خط فکری و آثار قلمی آن بزرگان انسانی و انس و الفت دارند مطرح کنند تا به سهم خود تکلیف شرعی و ملی و اجتماعی معرفی صاحبان علم و اندیشه را به نسل حاضر و آینده‌گان ادا نمایند.

مرحوم دکتر شریعتی بدون تردید نادرترین شخصیتی است که در تاریخ معاصر اسلام با طرح نظریات بدیع و پکر نوگرانی و پیاوایه‌زدائی از عقاید و باورهای اصولی اسلام را واجهه همت خود قرار داده و ارزش‌ترین خدمات را به نشر اسلام راستین نموده است. وی با طرح و تکیه بر ۳ اصل عرفان، عدالت و آزادی وظیفه اصلی هر انسانی را که می‌دارد معین نمود و از این طریق راه رسیدن به

نمودن راه برای معرفی خداوزنها و الگوهای اخلاقی بچای ارزش‌های معنوی و انسان‌ساز و حافظ استقلال فرهنگی و فکری و باصطلاح خود دکتر شریعتی تخلیه فرهنگی و استحاله فکری زبان پارزین عامل برای جامعه و عامل اصلی همه عقایدگیریها و احاطا ملتهاست و دکتر شریعتی به بهترین وجه آنرا تشریح و تبیین نموده است و از این طریق بزرگترین خدمت را به نسل کوچی جامعه ایران نموده است که این خود به تنهایی کافی برای حافظانگی نام و راد شریعت در همه عرصه‌ها و برای همه نسلهای آینده است.

روانس ساز و رسانه، گواهی

که برای آن قائل بوده است به بازگشت بخوبی و یا بازگشت به خوبیست خوبیست اختصاص یافته است.

الحق مرحوم شریعتی انگشت بر مهمترین عامل عقب ماندگی و احاطاط جامعه اسلامی و بوسیله جامعه ایران نهاده است. موضوع خودباختگی فرهنگی و پدیده غیرعلمی و اخلاقی ساخته و پرداخته دستگاههای تبلیغاتی استعماری برای محظ استقلال فکری و زدودن شخصیت انسانی از طریق افکار و شخصیت‌های تاریخی آنها و هیچ انگاری نسل معاصر که در این سرماهی گذاریهای هنگفت صد ساله اخیر استعمار در جوامع شرقی و ایران و تقلید میمون وار و مهده از دست‌آوردهای هموار

مسخ حقایق در جامعه اسلامی بوسیله سردمندانه تنمن اموی و عباسی و تشیع صفوي در طول ۶۰۰ سال.

-۸- نقد و بررسی شئون اعتقادی و عملی ضروری بین مسلمین از قبل حج - جهاد - حمس و زکوه و اعمال عبادی و توضیح مושکافانه و ابرادات و اشکالات و انجرافات هر یک از اعمال فوق و ارائه نظریات مصلحانه و حمله بر امان و جسورانه به متولیان بر صلاحیت دین و عوامل جهل و احاطاط تاریخ اسلام.

-۹- طرح مستله بازگشت به خوبیش از مهمترین نکاتی است که دکتر شریعتی به آن پرداخته است و قسمت اعظم سخنرانیها و نوشته‌های او بعلت اهمیت فوق العاده و حیاتی

## سرگرمی با حفاظت محیط زیست

هراد با مطالب خواندنی، رائیندیس  
نقاشی، بازی، معما، و کارهای کاغذ و لیجن

تلفن: ۷۵۴۷۰۲۲

کتاب

## اولین دوره صحافی پیام هاجر (از شماره ۱ تا ۲۱۸)

موجود می‌باشد. تلفن پخش ۷۵۳۷۰۲۲

## آموزشگاه خیاطی موسسه اسلامی زنان ایران

مقدمگرلاوین و متندساده

جهت دوره جدید ثبت نام می‌نمایید.

خیابان سعدی شمالی، خیابان هدایت، بعد از چهارراه ظهیرالاسلام، پ. ۲۶۲ - تلفن ۷۵۴۷۰۲۲



## "شريعی در همه زمانه‌ها"

فاطمه گوارانی

جامعه‌ای را از مسیر نادرست خود جدا و در مسیر دیگری قرار دهد.  
همانگونه که در گذشته توائیه بود تهدن اسلامی را در دوران طلائی ایران شکوفا نماید.

هم چنین پروتستانیسم اسلامی مورد توجه او متفاوت از پروتستانیسم غربی می‌دانست. زیرا او تحقق مدنیت و نویزائی و نواندیشی فکری - فرهنگی شرقی و اسلامی را روندی و راهی مختص همین جوامع می‌دانست. او سرنوشت غرب را نمی‌پذیرفت. اما به الهام گرفتن آگاهانه از آن معتقد بود.

در بعد از طرح دنیانس شرقی و پروتستانیسم شرقی و اسلامی، عرفان، برآبری و ازادی را که شعاری کاملتر از ایدئولوژی غالب آن زمان یعنی مارکسیسم بود، عنوان ساخته و با تلقیق خلاقاله آنها در رعایت ناسب شرایط و نیاز جامعه ایران، سور برگی که در دون و لایه‌های زیرین آن اندیشه‌ای عمیق وجود داشت را فراهم اورد.

این مسئله لاجرم خود بخود جنگ مذهبی علیه مذهب را تداعی و تشدید نمود. زبان

از آن دیدگاهی تو از مذهب پرداخته و اندیشه مذهبی را وارد مرحله جدیدی ساخت. او که خود دارای شخصیتی چند بعدی بود، ضمن اشتایی با علوم انسانی در زمانی که جهان را عصر ایدئولوژیها فراگرفته، با تشخیص عدم کفاایت اسلام علمی برای پاسخگویی به نیاز زمان خود، برای موتور ساختن اندیشه اسلام در وجهه اجتماعی آن را بصورت ایدئولوژیک درآورد. ایدئولوژی ای که ضمن ارمنان گرایانه بودن از زیر ساخت اعتقادی شرقی آمیخته با متعلق به مردم بوده و در آن ازادی فردی و عرفان شرقی تضمینی برای ارمنان برآبری اجتماعی - انسانی بشمار می‌رفت.

شريعی که خود به مذهب اعتقادی آگاهانه داشته و رویه مثبت آن را نیز با سمت و سوی برآبری، ازادی و عرفان برای جامعه‌اش لازم می‌دانست، به طرح شعار پروتستانیسم اسلامی پرداخت تا در راستای به چالش کشیدن مذهب سنتی و سنتهای اجتماعی به تحول فکری مردم جامعه‌اش دست پیدا.

او عمیقاً باور داشت که این مذهبی در جهان سوم اساساً قدرت آن را داشته و دارد تا

دکتر شريعی را به حیات می‌توان را دریکال ترین، مستوفی ترین و بی‌توان ترین متکلم دوران معاصر در جوامع اسلامی مشرق زمین داشت که دارای نقش منحصر به فرد در پیداگوژی اسلامی و انسانی این منطقه از جهان است.

در واقع نوگرایی دین در بعد از جنگ دوم جهانی با دو چهره در ایران یعنی مرحوم مهندس مهدی بازرگان و شهید دکتر علی شريعی که هر یک نمایانگر نسلی و دوره‌ای از روند حرکت این جریان می‌باشد متخصص می‌گردد. شريعی نسل دوم از نوگرایی دینی‌ای بود که می‌رفت تا دوران کودکی خود را پشت سر گذاشت.

تا آزمان چهره‌های بزرگی به صحنه نوگرایی دین امده و بر آن شده بودند تا میان دین و سیاست، دین و علم، دین و مسائل اجتماعی رابطه برقرار نمایند. اما هنوز تا جایی که جنبش اجتماعی با یک پیشوای فکری و مذهبی وارد عرصه تحولات شود فاصله زیادی وجود داشت. شريعی در این شرایط زمانی که جنبش نیاز به نوعی خط فکری، اینده و باور تثویزه شده داشت، به

من یستند. یعنی باشد به بررسی و باز خوانی صحیح و متفاوت از آن و اندیشه‌های وی برداخت. دغدغه‌های روشنگری چون او را دریافت، تراویط زمانه‌اش را در نظر گرفت به باز زمان او راه پیش کرده و به زبان و رسالت که او برای سخن گفتن با مردم (در قالب انواع مخاطبان) برگزیده بود، توجه کرد. به عمق اندیشه بلند او که هو با اندیشه عرب و همین‌پوش و نگاه شرقی القست داشته، شناخت پیدا نموده و تلاش او را جهت نه نکار نجربه اروپا که تحقق مترقبه‌ای شرقی در خامعه ایران در نظر گرفت و هماند خود او به مطلق دنستان و ابدی دنستان هیچ حقیقی معقد گردید. اینگاه به راسته خلافات با همیلت او و باز زمان برداشت.

**اینکه تسبیعی تاکون**  
تصور انگیز ترین عنصر روشنگری دینی باقی مانده است. نشان از اتمسفری است که او در فنمه و اندیشه و عمل، قرائت از سید جمال و اقبال بوجود اورده و نیاز زمان ما و خشیدن اندیشه‌های وی و تداوم آن دارد.

باشد تا روزی که خود به انجنان گستردگی از اندیشه و عمل دست باند. که فناشی دیگر و اتمسفری کمال یافته‌تر از توکران گذشته را در راستای صنایع مردم ایجاد نماید. بدون نسک تسبیعی خود بر فراری از ابدیت بر این حرکت و انحراف اقربان، اقربین خواهد فرستاد.

۱۲

او این اعتراض و این رسالت را با الهام از ارادی و اختیار انسان در داستان خلقت و با چشم اندیشه امیدوارانه و مستولانه برای تغییر جامعه بر عده روشنگری از روشنگر و درمندی من داشت که با پاورمنانتسانه از هستی به جامعه و مردم نگاه نمایند و در صحن توجه به تراویط عین و دهنی جامعه - تغییر ذهنی را مقصد بر تغییر عین آن داشت. تسبیعی برایه این باور، در این جامعه برای تحقق اهداف خود جریان روشنگری را با دین پیوند زده و روشنگر دیس را تاوم رسالت ایله داشت. اما رسانی مورد نظر تسبیعی در زمان خودش و در بعده از وی تحقق نیافت و حتی برخلاف انتظار، مذهب سنتی بر عرضه قدرت دست بازد.

هر چند که امروزه شاه نایاب جدی از

پیامبرانه و دید تاریخی و جامعه شناسانه او موجب شد تا دین در عرصه مقولات بسیاری وارد و حیطه‌های بسیاری را در آنها در توردد و تحول و پویایی شکری را در آن وارد نماید. دین باز و دمکرات و کارآکه برای زنده و بونا بودن نیازمند بکارگیری حریه فرم و محتوى بود تا از مالانق در زمان و مکان خاص بر حذر ماند. از آنجایی که تلقی‌های مهم تسبیعی ارمغانی بود، رسانی ایدئولوژی او هم مسیری ارمغانی و متعدد را یافد. زیرا تسبیعی در دوران تاسیس نهضت واقع شده بود و در نتیجه هیچگاه فرصت اثرا نیافت تا به ارائه جزئیات بیشتری از دین ایدئولوژیک که متعلق به دوران استقرار و مطلوب جامعه است، بیرون از

او عمیقاً باور داشت که ایده مذهبی در جهان سوم اساساً قدرت آن را داشته و دارد تا جامعه‌ای را از مسیر نادرست خود جدا و در مسیر دیگری قرار دهد.

اما از ویژگی‌های عمده این اندیشه غیرجزمی و باز بودن آن در راستای بکار گرفتن عوامل چون علم و زمان و اجهاد در کل پیکره اندیشه دینی بود که راه مطلوب نمودن این تلقی‌های ارمغانی را باز گذاشته است. تسبیعی که عمده ترین نیاز جوامع مذهبی جهان سوم را در حل معضل بیش مردم جامعه می‌دانست تلاش نمود تا با ایقامت از جوهره اندیشه مذهبی و تبلیغ عقلانیت به حل صحیح مسئله مذهب سنتی، نه بینان و دور زدن و در نتیجه محصول لاخوش آیدن گرفتند از آن، بیرون از

باز خوانی این کویری، چیزیست که او منزه از هر اقدام دیگری در راسته ساخت

# بیستمین سالگشت

## دکتر علی شریعتی

خلاصه‌ای از مطالب ارائه شده در حسینیه ارشاد

تنظیم از: مریم اصلت

شریعتی عقیده دارد برای رسیدن به انقلاب از مذهب تفرقه‌آمیز باید دوری شود در یک کلام دکتر شریعتی پیش‌تاز و منادی تفسیر نوین از اسلام است.

**۴- میز گرد (درواقع گفتگو با شریعتی)**  
موضوع: **شریعتی و روابط روش‌فکران امروزی**

(الف) مهندس سحابی: این‌ها تعریف خودم را از روش‌فکر بیان می‌کنم. گفته‌اند که تفاوت روش‌فکر با غیر روش‌فکر در اینست که او به مسائل فراتر از مسائل روزمره من اندیشد. البته این یکی از تفاوت‌های روش‌فکر است، روش‌فکر را روی تجربه عرفی می‌کنم. تفاوت روش‌فکران با حکما و فلاسفه این بود که آنها بیشتر از الهام گرفتن از محیط از افکار خود الهام می‌گیرند. کمتر خود را اسیر مقولات منطقی می‌کنند و از ناخود آگاه خود بیام می‌گیرند. روش‌فکری درجهات مختلفی دارد: انسانها بیشتر با ناخود آگاه خود زندگی می‌کنند و هر قدر این ناخود آگاه فعالتر باشد و ارتباط آن با حقیقت بیشتر باشد...

با این ویژگیها روش‌فکران همیشه پیش‌تاز هستند انجه روش‌فکران قبل از گفته‌اند امروزه

یک رویکرد بدینانه است رد می‌کند. او به پاری ستمدیدگان می‌شتابد و فرهنگ نخبگان را به مبارزه می‌طلبد (اگر ما جبارت را تایید می‌کنیم بدلیل آنست که خود را فراموش کردی‌ایم) او وحدت را در کثرت و کثرت را در وحدت می‌بیند. او معتقد بود ادمی باید چون زندگی کند او شهامت اخلاقی آنرا خواهد گرداند که جوامع و ایس‌نگره، خزمی و خودکامه شرقی را نمی‌کند.

اقبال به دنیا گفت اسلام دین صلح و عشق است اما علیه تجاوز و تهدی بر می‌آشوبد. شریعتی نیز چنین مود هر دولت مسلمان باید بصورت یک دمکراسی محلی و یک دولت مقنن مستقل درآید.

اسلام مبانی جاودانه و مطلق را بهاده اما بقیه را به ما سپرده. شریعتی راهی را که پیشینیان او انتخاب نکرده بودند، برگزید که این راه بر از بیچ و خم و سختی بود. اقبال می‌گوید: اسلام دین کتاب، ترازو و آهن است. کتاب به معنای آئین، ترازو به معنای عدل و آهن به معنای استواری است.

**۱- مقاله:**  
در جاری کوچه‌ای باریک... لحظه‌های دم فرو بردن را می‌گذراندیم. گام... در ظلمانی همه شهابین که مسیح بر دار می‌رفت... بوی شرق کوئیا پیچید... قامش به بلندی اندیشت... و دستهای ن والقلم... راه را بر... می‌بیمود و پاها تاول زده از... همراه با او نمایشانی شدیم...

در همان کوچه تاریک... رهگذری که با ما بود چون مسیح مصلوب و چون منصور بردار عروج کرد و ما تنها ماندیم...

**۲- برگزیده‌ای از نوار سخنرانی دکتر علی شریعتی**

**۳- مقاله‌ای از پروفیسر مقصود جعفری پروفیسر پاکستانی (ترجمه شده):**

دکتر علی شریعتی منادی نوza ای اسلام است. به نظر من دکتر شریعتی یک اندیشمند ترقی خواه مدرن و علمی بود و حال او نه یک داشتمند غرب‌زده و نه یک شریعتی تشیع را به دو قسم تقسیم می‌کند: تشیع سرخ (علوی) و تشیع سیاه (صفوی) شریعتی تشیع سیاه را که آئین عزاء

- ۳- شناد است (او از وضع موجود و در تیجه از استهان اتفاق داشت) نشاید هم مدریستها
- ۴- چشم انداز کلی در پیش چشم مردم رسم من کند
- ۵- او جهان من اندیشید اما بومی عمل من کند (نکته‌ای زیبا و مهم) شریعت در پاپر مدنیست و سنت از سه موضع عمل من کند
- ۶- اگر روشنفکر تخصص ندارد در آن زمینه بهتر نظریه پردازی من کند
- ۷- فراهم اوردن بسترها لازم جهت تحقق ارزشها

**سوال از مهندس سحابی:**

شما روشنفکر را پیش‌تاز معرفی کردید و همچنین روشنفکر باید ایمن‌شناسی و درمان‌شناسی اجتماعی بکند مایه‌ها و عناصری در آثار شریعت مشاهده من شود که استعداد بدغیری و در آن دینه من شود او در تحسین اثر خود احیای دین را یعنوان مکتب... ایا این مقدار انتظار از دین ارمغان‌خواهانه و گزاف نیست؟ (ممکن است دین سایه‌انداز بر عقل و برنامه‌بریزی و...) خلاصه پاسخ: نظریات شریعت در عصر خود بسیار جالب و کارساز بوده است اما ممکن است اکنون که بستر جامعه با آن زمان تفاوت من کند موجب افتراق شود اگر شریعت خود زنده من بود در این زمان چنین مشکلی پیش نمی‌آمد بهر حال بروای دستیابی به حقیقت تنها آثار و افکار شریعتی کافی نیست.

**دفاعیات اقای یوسفی اشکوری از شریعتی:**

شریعتی... شریعتی... شریعتی... اما اگر امروز شریعتی قاعده اینقدر بلند است دلیلش این است که روی دوش افرادی چون بازرگان و طلاقانی ایستاده است.

روشنفکر دینی بر دین نظر من کند و از متابع متعدد نیز استفاده من کند و از ارتفاعی بر دین من نگرد که این کاری را انجام من دهد که علمای سنتی نمی‌توانند آنرا انجام دهند اقبال در نظر شریعتی یک روشنفکر دینی بود. برای اینکه قدری از شریعت فراتر رویمه نکانی راجع به روشنفکری من گوییم: من در نوشتۀ‌های خود حافظت را بسک روشنفکر من دانم چرا که حافظت بر روی زمین من زیست و نسبت به مسائل زمان خود حساسیت داشت.

کس چون خالی را روشنفکری من دانم چرا که او را زانی و درین بوده غفلت عمومی (نیز بینی) یک روشنفکر را داراست. تابارین علاوه بر آنکه در روشنفکری علمی هست روشنگری نیز هست. من بر همه آنها عنصر معاصر بودن را نیز من افزایی شریعتی نیز من گوید روشنفکر باید آگاه به زمان باشد.

#### (ب) یوسفی اشکوری:

اگر بخواهیم شریعتی را با یک صفت معرفی کنیم، آن روشنفکری است. او معلم، عارف، نویسنده، آشنا با تاریخ، آشنا با جامعه‌شناسی، آشنا با مکاتب و محقق بود. اما همه آنها در روشنفکری بکار گرفته من شد.

#### توصیف روشنفکران از دیدگاه شریعتی:

روشنفکری نوعی پیامبری پس از خاتمه است. روشنفکر می‌تواند از نظر شریعتی روشنفکر:

۱- دارای فکری روشن است (کسی که ذهن آگاه، نه پر از معلومات دارد فردی خود آگاه است)

۲- آگاه کننده است (اقبال در ارتساط تفاوت پیامبر و صوفی من گوید: تو به معراج من روی تا خود را نجات دهی، اما پیامبر از معراج من آید تا پرده‌های جلو چشم مردم را کنار بزند.)

حکما با عقل به آن رسیده‌اند به این دلیل ما کمتر روشنفکری را من بایم که تابع شرایط محیط باشد آنها معمولاً جوشکن هستند. دکتر در سخنرانیها و کتابهایش پاسخ‌هایی به نسل جوان مذهبی دهه ۲۰ و ۴۰ داد که این پاسخ‌ها جذاب بود گه در میان جمع شورو نشاط و هیجان ایجاد کرد و این نشان می‌دهد پاسخ‌ها با نیازها انتباطی داشتند و باعث آزاد شدن انرژی شده است و این هنر شریعتی بود.

و حال ما باید چه گنجیم؟ باید در راه تطبیق خود با او برای حقیقت (آنها جزئی از حقیقت هستند) قدم برداریم. اگر فکر کنیم با آنچه شریعتی در اختیار ما گذاشته است می‌توانیم به حقیقت برسیم، انتباه کرده‌ایم چرا که حقیقت در راه خود در حرکت است و ما همیشه دور از حقیقت هستیم.

#### (ب) دکتر سروش:

شریعتی برای ما میزبان بزرگی از روشنفکری دینی را بر جای گذاشت. به همین دلیل ما در جامعه دوشادویش و ایسنگری روشنفکری نیز داریم ما در واقع بر سر سفره او نشته‌ایم.

روشنفکر فرزند دوران مدرن است. آنچه در دوران ماقبل مدرن وجود داشته حکما و علماء هستند که به کار ارشاد مردم مشغول بودند. دوران ماقبل مدرن بطور کلی واحد دو خصیصه است:

۱- تک معنی است (دین)

۲- معرفت درجه اول، فقط وجود دارند (هنوز معرفت‌های درجه دوم زاده نشده‌اند)

در اروپا روشنفکران عموماً غیردینی بوده‌اند و وجود آنها بدلیل پر کردن جای علمای دین بوده است. از این جهت در جامعه ما این سوال مطرح است که آیا روشنفکر دینی نیز می‌توان داشت؟ یا اینکه روشنفکر همیشه در مقام معارضه با دین است



## مراسم یادبود

### دکتر علی شریعتی

یوسفی اشکوری پیرامون شریعتی و رهیافت امروز روش‌نگران تشكیل شد و همچنین سخنرانی و پرده‌برداری از لوح یادبود بیستمین سالگشت شهادت دکتر علی شریعتی بر مزار در قربت وی در کنار تالار حسینیه ارشاد، توسط خانم دکتر پوران شریعت رضوی همسر دکتر علی شریعتی ایجاد شد.

در روز ۳۰ خرداد مراسم یادبودی در تپیزی بریا گردید و آقای مجید محمدی تحت عنوان نوگرانی و جامعه مدنی و آقای رضا علی‌جاهی مقاله‌ای با نام "شریعتی و تغییر گفتمان زمان" سخنرانی نمودند.

در مشهد علامی به مناسب سالگشت دکتر علی شریعتی در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد با سخنرانی آقایان علوی تبار، حجت‌الاسلام کدبور و دکتر حسین رزمجو و یوسفی اشکوری تشكیل گردید.

و در اصفهان ۲۹ و ۳۰ خرداد مراسمی به همین مناسبت تشكیل شد که در روز یول آقای دکتر محمد‌مهدی جعفری و میزگردی با آقایان دکتر جعفری، دکتر صلوانی، مهندس محمدعلی نجفی سخنرانی نمودند و روز قوم معلمات از برگزاری مراسم توسط افراد حزبالله و سپس استانداری و بیروهای استظامی (که می‌گویند از تهران به دستور وزارت کشور مراسم برگزار نمی‌شود) بعمل آمد و مردم تا ساعت ۹ شب در محل منازل و طوماری نیز در اعتراض به تعطیلی مراسم امضا می‌کنند. سپس مراسم در حسینیه احسان برگزار گردید.

از سوی موسسه اسلامی زنان بسیریستی خانم اعظم طلاقانی نیز در تاریخ ۲۶/۴/۱ مراسمی به همین مناسبت در محل دفتر جامعه زنان برگزار شد.

در این مراسم که با سخنان خانم طلاقانی آغاز گردید خانم داشبور قطعه‌ای منثور در رنای معلم شهید همراه با نوای نی هنرمندانه آقای اسحاق چگنی اجراء و سپس میزگردی پیرامون برخی از آراء و اندیشه‌های دکتر شریعتی تشكیل شد. در این میزگرد خانمهای آذرا فراز پیرامون چه باید کرد خانم بختیاری پیرامون هنر از دیدگاه شریعتی و خانم فاطمه کوارانی درباره بازخوانی شریعتی از مقوله زن سخنرانی را عنوان نمودند.

به مناسبت بیستمین سالگشت هجرت و شهادت معلم شهید دکتر علی شریعتی مراسم متعدد و مختلف از سوی دوستانه و علاقه‌مندان اندیشه‌های وی در ماههای اردیبهشت، خرداد و تیر در سراسر ایران برگزار گردید.

با هم گزارش کوتاه را از چگونگی برگزاری برخی از این مراسم یادبود که امسال از حال و فضای دیگرگونه نسبت به سالهای قبل برخوردار بود، می‌خواهیم:

هم‌چنین در تهران به همین مناسبت از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی دکتر علی شریعتی بسیریستی آقای یوسفی اشکوری (که امسال اعلام موجودیت نمود) مراسمی در روزهای ۲۲ و ۲۴ خرداد در کتابخانه حسینیه ارشاد برگزار گردید.

در مراسم روز ۲۳ خرداد، داستان با هم و بی‌هم توسط خانم فریسا غفاری اجراء و سپس میزگردی با عنوان شریعتی و سنت و مدریته با حضور آقایان علیرضا علوی تبار، غنسی‌نژاد و یوسفی اشکوری تشكیل شد. در روز ۲۴ خرداد در همان محل، مراسم با پیام احسان شریعتی فرزند معلم شهید به دفتر پژوهشها به مناسبت بیستمین سالگرد شریعتی آغاز و سپس خلاصه‌های از ترجمه کتاب "پیام" خلیل جبران توسط آقای دکتر مجید شریف ارائه شد. به دنبال آن مقاله شریعتی و زن، روایتگری با بازخوانی؟! توسط خانم فاطمه کوارانی خوانده شده و مقاله "قابل عکس غیار گرفته" توسط آقای اسماعیل کوهنی کار و سپس آقای تقی رحمانی پیرامون چرا شریعتی؟ (اهداف و سنت تغیر و تولید نظریه وی) به سخنرانی برداشتند همچنین در این دو روز آقای حسن زرافشان قطعه‌ای ادبی درباره دکتر شریعتی خواندند و آقای چگنی نیز اشعار و قطعات ادبی را با نوای دلنشیز نمی‌خواهی نمود.

در روز ۲۹ خرداد نیز مراسم باشکوهی به دعوت بزرگان عرصه تفکر و اندیشه و سیاست برای یادبود بیستمین سالگرد شهادت شریعتی در تالار حسینیه برگزار گردید. در این مراسم که با حضور چند هزار نفری از علاقه‌مندان شریعتی از اقصاء نقاط کشور همراه بود، در ابتدا مقاله باد توسط خانم ناهید توسلی اجراء و بدنبال آن مقاله ارسالی پروفسور "مقصود جعفری" اندیشمند پاکستانی که توسط آقای دکتر مجید شریف ترجمه و تلخیص شده بود، قرائت گردید. آنگاه میزگردی با شرکت آقایان مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر عبدالکریم سروش و



... این دو [زن هیج و پوج] بکی سنتی و دیگری مدرن -  
هر دو برابر زن روشنفکر احساس حقارت می کنند و چون  
ارزش‌های وجودی او را فاقدند، می کوشند تا از طریق  
نمودهای جنسی یا مالی و تجمل پرستی های مبالغه آمیز  
بی نمودی های خویش را در برابر زن روشنفکر جبران نمایند.  
..... زن روشنفکر که زن پیشرفته است، آگاهی و آزادی و  
مسئولیت و هدف و معنی وجودی دارد و به تجمل پرستی  
نیازمندیست . . .

### مجموعه آثار پنج مرحوم دکتر علی شریعتی

اگر حقوق انسانی و اسلامی زن را به زن دادید، او را بهترین  
عنصر ساخته اید تا بهترین مقاومت علیه این هجوم، خودش  
باشد و اگر ندادید و محروم ش گذاشتید، بهترین کمک را به  
این دعوت شوم و ابلیس کرده اید و خود نیز از این طریق او  
را رانده اید.

### مجموعه آثار ۲۱ مرحوم دکتر علی شریعتی